

دکتر توحیدی جنبش زنان را به هفت دوره تقسیم کرد و چنین برشمرد: ۱- دوران مشروطیت (از ۱۹۰۵ تا دهه ۱۹۲۰)، ۲- ایجاد دولت - ملت مدرن (از ۱۹۲۰ تا دهه ۱۹۴۰)، ۳- دوران گفتمان های ناسیونالیستی و سوسیالیستی (جنبش ملی شدن صنعت نفت دهه ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۰)، ۴- دوران محمدرضا شاه و دوران مدرنیزاسیون (دهه ۱۹۶۰ تا ۷۰)، ۵- انقلاب اسلامی و اسلام گرایی (از ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۷)، ۶- دوران پسااسلامی و دوران رفرم و گرایش به پراگماتیسم (۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵)، ۷- ظهور محافظه کاران جدید (نئوکانسرواتیسم) و پوپولیسم احمدی نژاد: دکتر توحیدی با اشاره به اینکه فرهنگ سیاسی ایران همواره تحت نفوذ کشورهای مجاور و غربی بوده، گفت: جنبش زنان ترکیه و مصر در گفتمان های فمینیستی ایران تاثیر داشته اند.

از اولین خواسته های زنان، دستیابی به آموزش بود که با مقاومت نیروهای سنتی مواجه بود. یکی از چهره های الهام بخش در این زمان، طاهره معروف به قره العین است که اولین زنی بود که اطلاع طلبی درون دینی را شروع کرد و در شریعت قالب اسلامی ساختارشکنی کرد و از پیشروان جنبش بابتی بود و شاید اولین زنی است در خاورمیانه که حجاب از سر برداشت.

زنان در دوران مشروطیت

در دوره ی مشروطیت، اکثریت جامعه بیسواد بودند و شهروند محسوب نمی شدند. به تدریج که گفتمان مشروطیت برای قانون گرایی و ایجاد پارلمان و رای دادن و دموکراسی شروع شد، طبعا زنان هم می خواستند در این تحولات سهمی داشته باشند و با وجودی که اکثرا بیسواد بودند و تشکلی نداشتند، اما در مشروطیت نقش بازی می کردند و خواسته هایی که داشتند عمدتا حول آموزش و غیره بود.

در اولین پارلمانی که تشکیل شد زنان به هیچ حقی نرسیدند. زنان خیلی زود متوجه شدند که صرفا نمی شود از بالا به حقوقشان برسند، باید یک گروه علاقمند و آگاه و متشکل زنان به وجود بیاید تا بتوانند تحولی به وجود بیاورند. لازمه ی این کار سوادآموزی بود. از عمده مسائل زنان در این دوره، دسترسی به آموزش نوین، بهبود وضع بهداشت، دسترسی به مهارت های شغلی و از بین بردن چندزنی و خشونت های خانگی مطرح می شد. دکتر توحیدی با استفاده از اسلایدشویی که بر پرده به نمایش درمی آمد، زنان پیشرو، تاثیرگذار و فعال را با عکس و شرح حال کوتاهی از هر یک به حاضران معرفی کرد. از فروغ آذرخشی، طوبا آموزنده، روشنگر نوع دوست، شهناز رشیدی... اینها اولین مدارس و اولین نشریات زنان را ایجاد کردند. اولین متن نوشته ی فمینیستی را بی بی خانم استرآبادی در پاسخ به یک متن ضد زن که از طرف یک مرد نوشته شده بود نوشت و این نوشته از قدیمی ترین نوشته هایی است که در آن طرفداری از حقوق زنان دیده می شود.

بدرالملوک بامداد، صدیقه دولت آبادی، فاطمه سیاح از دیگر زنانی بودند که تصاویرشان را بر پرده دیدیم. دکتر توحیدی روی صدیقه دولت آبادی مکث کرد و از او بیشتر گفت. او نقش دولت آبادی را طولانی مدت خواند هم در ایجاد مدارس زنان، ایجاد نشریات زنان، و هم ایجاد ارتباطات بین المللی میان جنبش زنان ایران با جنبش جهانی زنان. او به نمایندگی از طرف جنبش زنان در سال ۱۹۲۷ به پاریس رفت و یک آموزگار آگاه و هدفمندی در مسیر جنبش زنان بود.

دکتر توحیدی به عمر کوتاه تشکل ها، نشریات و حتی مدارس زنان اشاره کرد و گفت، با حمله ی مخالفان، این ها از بین می رفتند.

سخنران تأکید کرد، آغازگران جنبش زنان، زنان خانواده های بالا و ایت جامعه بودند که به نحوی دارای حمایت های جانبی بودند نمونه هایی چون آقاییگم دختر ملاهادی نجم آبادی از یک خانواده مذهبی شناخته شده که می توانست از آن نفوذ استفاده کند. زندخت شیرازی که به خانواده ی سلطنتی زند وابستگی داشت، صدیقه دولت آبادی دختر یک روحانی، محترم اسکندری دختر شاهزاده ی لیبیرال و تاج السلطنه که دختر شاه قاجار بود. دکتر توحیدی با اشاره به اسامی انجمن ها و مدارس همچون جمعیت نسوان وطنخواه، انجمن مخدرات وطن، انجمن خیریه خواتین ایران و ... گفت: چون روحانیون سنت گرا و مرتجع معتقد بودند که مدارس زنان را فاسد می کند و اخلاق را از بین می برد و بی ناموسی می آورد، برای همین اینها این اسم ها را می گذاشتند مثلاً با اسم مدرسه ناموس می خواستند بگویند که ما اتفاقاً می خواهیم ناموس را حفظ کنیم و یا اینها دختران وطن دوست هستند.

زنان در دوران رضاشاه پهلوی

سخنران به وضعیت زنان در دوران پهلوی اول پرداخت:

در دوران ملت - دولت سازی که با سلسله ی پهلوی شروع می شود. در دوران رضا شاه یک مدرنیت و تجدد آمرانه از بالا بدون مشارکت وسیع مردم ایجاد می شود. رضاشاه با وجود دیکتاتوری، یک سری اصلاحاتی در جامعه ایجاد کرد در زمینه ی حقوق زنان و شهروندی آنان. بعد از اینکه سفر کرد به ترکیه و تحت تأثیر اصلاحات کمالیست ها و آتاتورک قرار گرفت، می خواست زنان و مردان شکل و شمایل مدرن و اروپایی پیدا کنند. زنان وارد عرصه ی اجتماع شوند، دانشگاه ایجاد و به روی زنان هم باز شد و برای اولین بار دادگستری تدوین شد. منتها این اثرات ضدونقیض برای زنان داشت، زیرا برای اولین بار شریعت رسماً بخشی از قوانین جدید یک دولت - ملت مدرن در مورد احوال شخصیه و قانون خانواده شد. در واقع حقوق زنان تغییری نکرد، نه چندزنی عوض شد، و نه حق طلاق و غیره... در عین حال سوادآموزی و گسترش مدارس در دوران رضاشاه پیش رفت و حتی

پیشاهنگی برای دختران باب شد که یک نوع سنت شکنی بود. سیاست های بحث انگیز دوره ی رضاشاه مسئله ی کشف حجاب اجباری بود که در سال ۱۹۳۶ انجام شد و ژاندارم ها روسری ها را از سر زنان برمی داشتند و حتی در روستاها سعی می کردند زنان لباس مدرن اروپایی بپوشند. (عکس زنان عشایر با لباس های غیرمحلی بر روی پرده صحت گفته ی سخنران را نشان می داد)

چهره هایی از این دوره وارد گفتمان حقوق زنان می شوند که پیشگام و الهام بخش زنان هستند، زنانی چون قمرالملوک وزیری، مریم فیروز، پروین اعتصامی، فاطمه کحال و صدیقه دولت آبادی.

دکتر توحیدی صدیقه دولت آبادی را نمونه ی خوبی برای درس گیری از تجربه اش حتی برای امروز خواند و گفت: وقتی که رضاشاه روی کار آمد، به تدریج همه ی انجمن هایی که به وجود آمده بود از بین برد و همه را در انجمنی به نام کانون بانوان محدود کرد. صدیقه دولت آبادی وقتی زنان تمام انجمن ها و مدارس خود را در سطح جامعه ی مدنی از دست دادند، یا باید در خانه می نشست و کاری نمی کرد، و یا با دولتی که داشت در یک سری زمینه ها رفرم ایجاد می کرد و عرصه را برای زنان باز می کرد، تعامل می کرد. او دومی را انتخاب کرد و عضو این کانون شد و فعالیتش را ادامه داد با وجود نقدی که به دیکتاتوری رضا شاه داشت. در زمان جنبش ملی کردن نفت از مصدق حمایت کرد ولی این مانع از همکاری اش با رژیم پهلوی نبود.

دوران پهلوی دوم

در دوران محمدرضا پهلوی، بعد از کودتای ۱۹۵۳ که با همکاری سازمان سیا و سازمان اطلاعات بریتانیا و همکاری بخشی از روحانیون و عواملی در ایران انجام شد، وضعیت بدتر شد و محمدرضا پهلوی به یک دیکتاتور تبدیل شد و بسیاری از انجمن های مستقل از بین رفت و تمام فعالیت های زنان متمرکز شد در یک سازمان به نام سازمان زنان.

در این دوره یک سری دستاوردها زنان دارند. حق رای را زنان به دست آوردند. گرچه در دوران مصدق در اصلاح قانون انتخابات، حق رای زنان را به مجلس برد، اما روحانیون، و حتی بخشی از جبهه ملی و سکولارها هم با آن مخالفت کردند.

سازمان زنان به رهبری شاهزاده اشرف پهلوی، یک نوع فمینیسم دولتی را به تدریج دنبال می کرد. یکی از دستاوردهای مهم این دوره اصلاح در قانون خانواده بود که چندهمسری را محدود کرد و به زنان حق طلاق و حق حضانت از کودکان داده شد.

زنان در سال ۱۹۶۳ برای اولین بار در انتخابات شرکت می کنند. قبل از آن وقتی آذربایجان ایران خودمختاری اعلام کرده بود، برای اولین بار در سال ۱۹۴۳ زنان در انتخابات آذربایجان شرکت کرده بودند. در تاریخ ما خیلی ها از تحولاتی که در آذربایجان شده بود اسم نمی آورند و با سکوت آن را برگزار می کنند.

یکی از افرادی که در سازمان زنان نقش مثبتی بازی کرد مهناز افخمی بود. او از آمریکا دعوت شد به ایران تا این سازمان را اداره کند. یکی از دستاوردهای این سازمان اصلاح قانون خانواده بود.

دکتر مهرانگیز منوچهریان از دیگر زنان تاثیرگذار دوره ی پهلوی دوم بود. او سازمان زنان حقوقدان مستقل را ایجاد کرد و اولین زن سناتور در ایران بود و با انجمن های بین المللی زنان حقوق دان هم در ارتباط بود. و اولین بار او بود که لایحه ای را به مجلس برد تا اصلاحاتی در قانون خانواده پیش بیاید، اما شدیداً مخالفت کردند و رئیس مجلس با او توهین آمیز صحبت کرد و او استعفا داد.

اولین وزیر زن این دوره، خانم فرخ رو پارسا بود، وزیر آموزش و پرورش که متأسفانه بعد از انقلاب به وضع وحشیانه ای به گناه اینکه وزیر بوده، اعدام کردند.

خانم ستاره فرمانفرمائیان زن تاثیرگذار دیگری ست که رشته مددکاری اجتماعی را در ایران تدوین کرد و روی مسائل بهداشت زنان، آگاهی دهی به زنان در زمینه های مختلف و مبارزه علیه خشونت کار کرد و اولین تحقیقات جدی را روی فحشا و حقوق آنها انجام داد. او هم بعد از انقلاب به جمع مهاجران و تبعیدی ها پیوست تا دو سال پیش که فوت کرد.

سخنران به حاضران پیشنهاد کرد دو کتاب "سناتور" نوشته ی نوشین احمدی خراسانی و پروین اردلان در مورد مهرانگیز و منوچهریان و کتاب "دختر ایران" نوشته ستاره فرمانفرمائیان را بخوانند.

در یک جمع بندی از وضعیت زنان در پایان دوران پهلوی دوم و قبل از انقلاب اسلامی، دکتر توحیدی گفت: در این زمان ۵۰ درصد جمعیت ایران شهری شده بود، سپاه دانش و بهداشت زنان در سال ۱۹۶۸ ایجاد شد و نرخ باسوادی زنان در مناطق روستایی ۱۶/۵ و در مناطق شهری ۴۵ درصد در کنار مردان ۵۸ درصد، بود. ۳۳ درصد دانشجویان دانشگاه ها زنان بودند. ۲۲ زن در مجلس کرسی داشتند (۹ درصد). دو میلیون زن به عنوان نیروی کار در اجتماع بودند (۱۲ درصد). در سال ۱۹۷۷ حق سقط جنین قانونی شد. سن ازدواج زنان به ۱۸ سال افزایش یافت. در قانون حمایت از خانواده، چند همسری ممنوع شد و زنان حق طلاق و حضانت کودک را داشتند. ممنوعیت داشتن حجاب از بین رفته و حجاب امری انتخابی بود و در عرصه اجتماع هم زنان باحجاب و هم بی حجاب دیده می شدند.

دوره ی پس از انقلاب اسلامی

دکتر توحیدی در ادامه به وضعیت زنان بعد از انقلاب اسلامی پرداخت و گفت: در ابتدا به زنان گفتند در مورد حجاب اجباری در کار نیست و زنان از حقوقشان محروم نخواهند شد، اما از اولین تغییرات قانونی، کنار گذاشتن قانون حمایت از خانواده بود و اجباری کردن حجاب. و اولین تظاهراتی هم که در ایران شد در اعتراض به این سیاست های جدید زن ستیزانه، تظاهرات زنان در هشت مارچ سال ۱۳۵۷ بود که یک هفته هم طول کشید. سخنران تغییرات پیش آمده در وضع زنان پس از انقلاب را ضد و نقیض خواند و افزود: بخشی از تغییرات ناشی از تداوم مدرن و شهری شدن جامعه است، بخشی ناشی از تحولات دمکراتیک است، بخشی ناشی از تحولات تکنولوژیک و جهانی شدن است و امکان ارتباط بیشتر با گفتمان های جهانی و اطلاع گیری که خیلی از تبلیغات دولتی را توانسته خنثی کند.

او در مورد وضعیت زنان مسلمان بعد از انقلاب گفت: بعضی تحولات به رشد بخشی از جامعه کمک کرد بخصوص به زنان سنتی کمک کرد وارد عرصه ی عمومی شوند. اگر اسلام گرایان را به سه دسته تقسیم کنیم: اسلام گرایان سنتی و محافظه کار، اسلام گرایان رادیکال و تندرو و انقلابی و اسلام گرایان میانه رو و سکولار. مومنان مسلمان محافظه کار سیاسی نبودند و پدرسالارانی هستند که می خواهند همان وضعیت خانواده سنتی حفظ شود و زنان را اندرونی می دیدند، اما دینامیسم انقلاب زنان را که ستا اندرونی بودند به بیرون کشید. یعنی خمینی بدون اینکه نتایج این را بفهمد، از زنان خواست در صحنه باشند در تظاهرات و در پشت جبهه ی جنگ، خیلی از این زنان فرصتی پیدا کردند تا از پتانسیل های خود آگاه شوند و اعتماد به نفس پیدا کنند و تغییراتی در نوع نگاه این زنان به وجود آمد. از مزایای این بیرون آمدن رفتن به دانشگاه و رانندگی و ... بود.

از طرفی دیگر زنان طبقه ی متوسط مدرن بیشترین آسیب را از این تحولات دید. خیلی از آنها مجبور شدند ایران را ترک کنند و محدودیت ها و محرومیت ها در عرصه ی اجتماعی خیلی زیاد شد. بسیاری شغل هایشان را از دست دادند. زنان وکیل و قاضی دچار محدودیت شدند. زنان از قضاوت منع شدند. خانم شیرین عبادی که از اولین قاضی های زن بود، بعد از انقلاب منشی دادگاهی شد که روزی رئیس آن بود.

جداسازی جنسیتی به مناسبات مرد و زن و دیدگاه آنها بسیار آسیب زد.

دوران جنگ کمک کرد به پدرسالاران و زن ستیزان که کارشان را پیش ببرند. چون در شرایط جنگی طرح هر نوع خواسته ی زنان را گناه قلمداد می کردند.

دوران اصلاحات

دکتر توحیدی وضعیت زنان را در دوران اصلاحات چنین توضیح داد:

در دوران اصلاحات و رفرم که از ۱۹۹۷ شروع شد، گفتمان جدیدتری وارد اجتماع می شود. در این دوره زنان نقش کلیدی در پیروزی خاتمی بازی می کنند. نشریات زنان به تدریج وارد عرصه عمومی شدند بویژه مجله زنان. با نویسندگان متعددی از زنان روبرو می شویم که کتاب هایشان از پرفروش ترین ها می شود. فعالیت های حق خواهانه ای در این زمان شروع می شود در زمینه های مختلف و زنان به تدریج فضای عمومی را پس می گیرند و یکی از نقاط عطف این است که زنان ما روابط بین المللی شان تقویت می شود و در سطح جهانی هم از سوی جنبش جهانی فمینیستی شناخته می شوند. برنده شدن جایزه نوبل توسط خانم عبادی در اعتماد به نفس زنان و تغییر دیدگاه فعالان زن تاثیر مثبتی داشت. برای اولین بار در ایران نه تنها زنان بلکه مردان جوانی هم وارد مبارزات برابری خواهانه زنان با عضویت در کانون های مختلف می شوند. (تصاویر فعالان زن و مرد برابری خواه ایران در این دوره بر پرده نمایش داده می شود)

برای اولین بار در تاریخ ایران ما در این دوره می بینیم گفتمان کاملاً فمینیستی تعریف شده با آگاهی جنسیتی شکل می گیرد که هم متأثر است از تئوری های فمینیستی در غرب، و هم در ارتباط با کشورهای همانند خودش مثل کشورهای خاورمیانه و استفاده از تجارب آنها است، و هم یک نوع مبارزه با استراتژی های جدیدی تدوین می کنند حول مبارزات مطالبه محور و ایجاد ائتلاف ها.

اولین بار زنان را می بینیم که در سطح خیابان وارد تظاهرات خیابانی شده و خواسته هایشان را طرح می کنند.

دوران احمدی نژاد

در پایان دوران اصلاحات، دوران محافظه کاران جدید به ریاست جمهوری احمدی نژاد آغاز می شود. دکتر توحیدی این دوره را چنین توضیح داد:

در زمان احمدی نژاد با واکنش و برگشت به عقب مواجه می شویم هم در داخل و هم در سطح جهانی. غلبه پیدا کردن نئوکان ها در آمریکا، و جنگ عراق و افغانستان، و وجود تنش بین المللی فضا را برای زنان مشکل می سازد.

در ایران زنان صلح تشکیل می شود. جنبش های قوم گرایانه در کنار گفتمان های جنسیت گرایانه رشد پیدا می کند. زنان به ابتکارات جدیدی دست می زنند از جمله کمپین یک میلیون امضا که ابتکارش را از کشوری مثل مراکش می آموزند. این کمپین ابتکار جالبی بود که در مدتی برای گفتمان سازی جدید موفق شد. فعالیت های دیگری هم شروع می شود ائتلاف علیه لایحه خانواده، علیه سنگسار، برای رفتن به استادیوم ها، کمپین ایجاد منشور زنان، در مورد انتقال شهروندی زنان به فرزندان، و ... شکل گیری جنبش زنان در مناطقی چون آذربایجان و کردستان ولی متأسفانه جنبش زنان همچنان تهران محور باقی مانده است.

به تدریج نقش زنان ایرانی در دیاسپورا هم بیشتر شد.

مسئله انتخابات دوره ی دوم احمدی نژاد همراه شد با جنبش سبز و همگرایی دیگری در بین زنان برای طرح مطالباتشان در هنگام انتخابات ایجاد شد. جنبش سبز خیلی رنگ و بوی زنانه داشت و زنان در آن بسیار فعال بودند هم از لحاظ کمی و هم کیفی. تحولی که در گفتمان ها و سمبل ها حتی در میان رقبای انتخاباتی به وجود آمد. اولین بار موسوی با همسرش زهرا رهنورد که یک فمینیست مسلمان بود در صحنه آمد.

بعد از سرکوب شدید جنبش زنان، ما با موج جدید مهاجرت به خارج کشور مواجه هستیم. خیلی از زنان مثل روزنامه نگاران مجبور به ترک کشور می شوند. متها تابوشکنی و سنت شکنی های جنبش سبز تاثیر خودش را گذاشت. (صحنه هایی از حضور زنان در مبارزات خیابانی به نمایش درمی آید)

بعد از آن با اعدام های وسیع و سرکوب ها روبرو بودیم. در این دوره تنها تشکلی که در جامعه حضور داشت، تشکل مادران پارک لاله بود که شبکه ی خودشان را حفظ کردند حول جنایت هایی که مادران را داغدار کرده بود. نامه های علنی عاشقانه زنان و مردان زندانی به همسرانشان، در عرصه ی ادبیات ما سابقه نداشته. زنان خانواده های زندانیان سیاسی با برپا کردن تولد و برگزاری نوروز جلوی زندان به نوعی مبارزه شان را تداوم دادند.

مسئله تحریم ها، مسائل اقتصادی، فقر، گرانی و ... می شود مسئله ی اصلی مردم و در انتخابات دوره ی یازدهم با بازی جالبی که همه طرفهای درگیر می کنند، مردم از روی ناچاری و اینکه دوباره احمدی نژاد ماندنی رئیس جمهور نشود، به روحانی رای دادند چون او تنها کاندیدایی بود که از حقوق زنان، حقوق شهروندی، حقوق اقلیت های قومی و مذهبی حرف زد، و البته تا به امروز هم فقط حرف زده، و این باعث شد که مردم در انتخابات شرکت کردند و البته با فرهنگ و گفتمان دیگری نه آن فرهنگی که ایدئولوژی حاکم حکم می کند.

بعد از آن عده ی محدودی از زندانی ها آزاد شدند، و گفت و گو با دولت های خارجی بر سر مسئله ی اتمی شروع شد و من نقش خانم اشتون را به عنوان یک زن تقدیر می کنم و کاری که می کند به نفع زنان و مردان ایران هم هست.

دکتر توحیدی در کنار خبرهای بد به بعضی حرکات مثبت انجام شده در دوران آقای روحانی اشاره کرد و گفت: آقای روحانی برای معاونت امور زنان و خانواده زن مسلمان فمینیستی که در ائتلاف های جنبش های زنان شرکت داشت، انتخاب کرد. خانم شهین مولوردی زن روشن بینی است که تجربه مبارزاتی دارد. در هشت مارس همین امسال به مناسبت روز جهانی زن برای اولین بار در تاریخ ایران، یک مقام دولتی با عده ای از نمایندگان ان جی اوهای جنبش زنان گفت و گو و جلسه برگزار کرد. دو فرماندار زن در بلوچستان می بینیم. اولین شهردار زن که

هم زن است و هم سنی، چون در ایران تبعیض فقط علیه زنان نیست علیه اقلیت های قومی، ملی و مذهبی هم هست. خانم ثمیه بلوچ زهی زن جوان ۲۶ ساله اولین شهردار سنی در یکی از شهرهای بلوچستان است. آقای ظریف هم یک سخنگوی زن انتخاب کرده، ولی من هنوز عاملیتی از خانم مرضیه افخم ندیده ام.

به مناسبت روز زن، جلسه ی نسبتاً موفقی با ائتلافی از چندین گروه زنان با حدود دویست، سیصد زن و مرد حامی زنان، تشکیل شد و مسئله محیط زیست، سونامی سرطان، آلودگی مواد غذایی و هوا، حقوق زنان، نهادسازی برای زنان در آنجا مطرح شد و از زنان و مردان خانواده زندانی سیاسی تجلیل شد؛ از جمله از همسر بهاره هدایت و مادر ستار بهشتی. نسرين ستوده از خاطرات زندانش گفت و اینکه چطور در زندان ائتلاف غیرایدئولوژیک و غیرسکتاریستی بین زنان برقرار بود و اینکه در خارج هم ما به این ائتلاف ها نیاز داریم.

ما امروز راهی طولانی پیش رو داریم. جنبش زنان تقریباً از نهادهای مدنی اش محروم است و از اولین ضرورت های شهروندی این است که زنان بتوانند نهادهای مدنی شان را داشته باشند تا از طریق آنها به تحولات در جامعه کمک برسانند. متأسفانه همچنان سرکوب ها و اعدام ها ادامه دارد و همین چند روز پیش دبیرکل سازمان ملل متحد هم به وضعیت وخیم حقوق بشر در ایران و تعداد فزاینده ی اعدام ها اعتراض کرد.

دکتر نیره توحیدی در پایان گفت: خبرهای بد زیاد است، اما ما حق نداریم ناامید شویم. من فکر می کنم تحولات در ایران اگرچه به نظر بسیار مشکل و پرچالش می آید، اما ایران تحولات عمیقی پیدا کرده و آینده از آن برابری طلبان، دموکراسی خواهان و روشن اندیشان خواهد بود.

پس از این سخنرانی مفصل، بخش پرسش و پاسخ برگزار شد که در آن نیز نکات جالبی از مبارزات زنان مصر و تونس مطرح شد.